

در دور سوم مذاکرات، ایران پیشنهادی را مطرح کرده است که حتی گروسی هم آن را قبول داشته؛ اما تیم آمریکا توان تصمیم‌گیری مستقل در این باره را نداشته و ممکن است در آینده سطح تیم آمریکایی ارتقا پیدا کند

# تیم کوشنر - ویتکاف اختیار ندارد

## مذاکره و سلحشوری

بخشی از زیست جهان سیاسی شان است؛ حالتی از بودن که در آن، حقیقت تا آنجا ارزش دارد که به تثبیت قدرت یاری رسانند. این فهم، ناگهانی و انتزاعی به دست نیامد. ما بهای سنگینی پرداختیم تا به این سطح از واقع‌بینی برسیم. آنچه امروز «صلابت» نامیده می‌شود، از دل درد متولد شده است. صلابت، آهنی است که در کوره تجربه گذاخته و در میدان آزمون آب دیده شده است. دیگر میان میدان و دیپلماسی، دوگانه‌ای ساختگی و آن تقابل کاذب وجود ندارد. هر قطره خونی که بر خاک نشست، پرده‌ای از ابهام را کنار زد. بیش از هزار لاله پرپر شده در نبرد کوتاه اما سرنوشت ساز، نه فقط حافظان امنیت که آموزگاران بصیرت شدند. سرداران و دلیرانی که از جان خویش گذشتند تا ما از اعماق جان دریا بیم که جهان گرگ‌ها، زبان خاص خود را دارد و اگر اقتدار نداشته باشی، صدایت شنیده نمی‌شود. امروز تیم مذاکره‌کننده ایرانی، در خلأ سخن نمی‌گوید. پشتوانه او اراده ملی و آمادگی رزمی است. دیپلمات ایرانی اکنون می‌داند که هر واژه‌اش، بر شانه‌های استوار رزمندگان ایستاده که در میدان، هزینه داده است. این پیوند میان «عقلانیت دیپلماتیک» و «صلابت میدانی»، همان نقطه عطفی است که این دور از مذاکرات را از ادوار پیشین متمایز می‌کند. دیگر نه خوش‌بینی ساده‌لوحانه‌ای بر میز حاکم است و نه هراس از تهدیدهای پوشالی. واقع‌بینی، جایگزین توهم شده است. در این لحظه تاریخی، بلوغ ملی یعنی فهم نسبت خود با دیگری. ما امروز دشمن را نه از سر احساس، بلکه از رهگذر تجربه شناخته‌ایم. هستی‌شناسی او برای ما عریان شده است؛ دریافته‌ایم میل به تسلط، در تاروپود سیاستش تنیده است.

ادامه در صفحه ۷

در تاریخ ملت‌ها، لحظاتی هست که یک ملت از دل تجربه به مرتبه آگاهی می‌رسد. آنچه امروز در قامت تازه‌ترین دور مذاکرات تجلی یافته، صرفاً یک گفت‌وگوی دیپلماتیک نیست؛ این صحنه، آینه بلوغی است که از دل دهه‌ها آزمون تلخ و شیرین سر برآورده است؛ بلوغی که بهای آن را با رنج، با تحریم، با خیانت‌های آشکار و پنهان و با خون بهترین فرزندان این سرزمین پرداخته‌ایم.

برای دوده، واژه «مذاکره» در پیش بخشی از سیاست‌مداران ما هم نشین نوعی خوش‌بینی ساده‌دلانه به سیاست «تنش‌زدایی» با جهان بود؛ گویی جهان، تالاری آراسته به لبخندها و وعده‌هاست و می‌توان باتکیه بر زبان و عمل نرم و امید به حسن‌نیت قدرت‌ها، مسیر عزت را هموار کرد؛ اما تاریخ، معلمی سخت‌گیر است. آن لبخندها، بارها به اخم بدل شده؛ آن وعده‌ها، بارها در غبار بدعهدی گم شد. تجربه به ما آموخت که در قاموس برخی مدعیان تمدن، «دروغ» یک لغزش زبانی نیست، یک سازوکار اجرایی است. خلف وعده برای آنان تاکتیکی گذرا نیست،

یادداشت  
کمیبل سوهانی  
بزه‌گر توسعه و مستندساز



## گزارش تحقیقی «فرهیختگان» از یک تخلف ۱۷۰۰ میلیاردی

که سناریوی آن به فیلم‌های سینمایی شبیه است

# یک شبکه اختاپوسی

# چطور کار می‌کند؟

یک گزارش علمی از نگرش نسل جدید درباره سبک زندگی، سیاست، فرهنگ و...

# این نسل هیولانیست



حمیدرضا لوفی، کارگردان سریال رضانی «ساهره» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

# روی هوش مخاطب حساب کرده‌ایم

۱۰۰ مسجد و ۴۰۰ نقطه از فضاهای شهری آسیب دیده در وقایع می‌ماه توسط گروه‌های جهادی دانشجویی پاک‌سازی و بازسازی شدند

## رنگ امید جهادگران بر غبار اغتشاشات

زنجیره درگیری‌های مرزی پاکستان و طالبان ادامه دارد

## درگیری دسته و چاقو

